

## عدالت اجتماعی

در زمانی که ابرهای تیره و تاریک فضای کشور ایران را فرا گرفته بود و هرج و مرج و ظلم و ستم و قتل و غارت و اسارت که ناشی از جهل و نادانی و حرص و طمع و خود خواهی و مملوک الطوائفی و وطن عزیز را به پرتگاه نیستی سوق میداد و آسایش و راحتی را بطور حیرت انگیزی از کلیه افراد ملت سلب و اضطراب و وحشت سرسام آوری را بوجود آورده بود و شبانه روزی نمیگذشت مگر آنکه در نقاط مختلفه کشور از شهر و دیار و قصبه و دهات و دشت و بیابان عده‌ای کشته و یا مجروح و مال و منال و نوامیس آنها مورد غارت و تجاوز و تعرض غارتگران و متجاوزین قرار میگرفت تا اینکه در اثر آه مظلومان و ستمدیدگان و دعای بندگان خالص و نیکوکاران اراده خالق عالم برای نجات چنین ملتی قرار گرفت و از افق ایران خورشید درخشان نابغه عصر اعلی حضرت فقید رضاشاه کبیر طالع و در آغاز کار با همت بلند و فعالیت وسیعی و کوشش خستگی ناپذیری بسر کوبی غارتگران و متجاوزین در کلیه نقاط ایران شدال و جنوب و شرق و غرب و کوه و دشت و بیابان و شهر و قصبه و ده و دهکده قیام و اقدام و بجای آنهمه نا امنی‌ها و ناروایی‌ها امنیت و آرامش معجزه آسائی در سرتاسر کشور برقرار و در سایه امنیت برای توسعه علم و دانش و صنعت و هنر بجای آنهمه جهالتها به تأسیس دانشگاه و دانشکده‌ها در مرکز و استانها و دبیرستان و دبستان در کلیه استانها و شهرستانها و قصبات و دهات و اقصی نقاط کشور شروع تا اینکه با امر و دستورات مؤکد پایان رسید و هزاران افراد مشغول تحصیل علوم مختلفه گردیدند و اعزام محصلین بکشورهای خارج

آغاز گردید و هم‌چنین در تمام شئون کشور بطور نوینی تعالی و ترقی که هماهنگی با کشورهای مترقی را داشته شروع و با وسعت صدر خدا داده و همت بلند توجه مخصوص مبذول گردید و برای صیانت حقوق جامعه ملت ایران با ایجاد دادگستری تازه‌ای امر و دستور داده شد که از دانشمندان و فضلا و شخصیت‌های با فضیلت دعوت بعمل آید و حقیقتاً با تشخیص صحیح اشخاصی از قبیل مرحوم سیده‌محمدفاطمی قمی و آقا میرزا محمد گلپایگانی و محسن صدراشراف و وجدانی و آقای میرزا مهدی آشتیانی و عده دیگری از قضات عالی مقامی که در قید حیات و یا شاغل هستند انتخاب و دعوت و برگزیده شدند و همواره در تعالی و ترقی و پیشرفت اصلاحی سعی و کوشش شده و سپس در همان اوان برای تشکیل دفاتر اسناد رسمی با رسیدگی و تحقیقات عمیقانه وزیر وقت مرحوم داور از فضلا و شخصیت‌های با تقوی و وارسته و مجرب و واجد شرائط دعوت بعمل آورد و اشخاصی که برگزیده و قبول چنین سمتی را تکلیف خود و خدمت بملت دانسته‌اند وارد کار و خدمت بجامعه گردیدند و البته اقتضای طبع این سمت سیر بسوی ترقی و تعالی علمی و عملی می‌باشد و نتیجتاً با حل و فصل معضلات و مشکلات آسایش جامعه و حدود و ثغور حقوق آنها را صیانت کند و با مقتضیات زمان با دنیای متحول امروز و سایر ملل و ممالک مترقی دیگر که برای نوتر مقامی شامخ قائل و واقعاً شایستگی چنین مقامی را هم‌دارند و مرجع شور و حل و فصل کلیه امور اسناد و حقوق و اختلاف خانوادگی و زناشویی و مورد اعتماد و احترام جامعه ملت خود بوده و هستند و حقیقتاً هم این موقعیت را در خود بوجود آورده و همواره در راه تعالی علمی و اخلاقی نهایت سعی و کوشش را بر خود لازم میدانند هماهنگی کنند ولی متأسفانه هنوز این طبقه در ایران بجز عده معدود انگشت شماری بطوری که باید و شاید آن شئونی که از لوازم حتمی این شغل است بعلمی توفیق کامل حاصل نکردند و این عدم موفقیت معلول بعلمی است که در این مورد فقط بذکر ۲ علت قناعت میشود .

۱- چون شرائط اولیه شغل سردفتری حائز بودن مقام علمی و آشنا بودن بحقوق وامور اسناد توأم باتقوی و وارستگی بوده وهست که دراین راه بایستی با مطالعات علمی و سعی و کوشش بیشتری تجربیات شایسته تری حاصل نمایند لکن تحمیل انواع امور مالی و حسابداری و صندوقداری که متدرجاً از مقامات دارائی و شهرداری و شیر و خورشید و غیره که خود مسئول و مدعی تخصص بوده وهستند واگذار بسردفتری که دراین موضوعات تخصصی نداشته واز شرائط این شغل نبوده ونخواهد بود شده است و با انواع قوانین موضوعه وتصویب نامه و آئین نامه وبخش نامه ودستورات اداری دفترخانههارا محل انبوه آنها قرارداده وروز بروز باتشکیلات وسیع تر و صرف بودجه بیشتری نظارت وبازرسیهای خودشان را توسعه داده ومقداری از وقت دفترخانهها را مصروف چنین رسیدگیهای قرار داده و نتیجتاً آن شده که درانظار مراجعین سردفتر طور دیگری جلوه گر گردیده واز طرفی رعایت انواع قوانین مقررات ودستورات مالی متشتمت وبازرسیهای پی درپی سردفتررا ازمشی اولیه ووظیفه اصلی خود بازداشته ورموز علمی سندنویسی را از دست داده و بجای بکار بردن قوانین حقوقی وقانونی که از لوازم ذاتی امور اسناداست بشرح وبسط دادن مقررات مالی درسند ودفاتر سند را ازشان حقیقی خود خارج ساخته وچون اینهمه تحمیلات ناروا و برخلاف شأن این شغل که مسؤلیت آن حقاً از عهده یک فرد خارج است گاهی منجر باشتباهات ویا خدانخواستہ انحرافات میشود و امور مالی است که میتواند سردفتران را کموبیش باوسوسه شیطانی آلوده واضطرار وعسرت درمعیشت اورا ازسیر تکاملی معنوی بازدارد بایستی خود دارائی وشهرداری مالیات و عوارض را که وظیفه اصلی آنهاست وصول واز تحمیل بطبقه سردفتر خودداری شود .

۲- از آنجائیکه اقتضای زمان توسعه مؤسسات دولتی و سازمانهای وابسته بدولت ومؤسسات ملی ازبانکها وشرکتهای بسیاری را بوجود آورده وهمگی آنها دارای اسنادی ازقبیل قراردادها ومعاملات قطعی وشرطی و رهنی واستقراضی و تعهدات میباشند ومعاملات فردی وخصوصی را تحت الشعاع قرار داده ومعاملات

افراد عادی هم که اعتماد بسردفتر و یا دفترخانه‌ای را دارند و احترامی قائل هستند از نظر اینکه کوچکترین ارتباط و یا اناطه‌ای از لحاظ قرضه و یا فسخ و یا جهات دیگر با معاملات مزبور پیدا میکند بایستی حتماً در آن دفاتر بعمل آید و این جریان موجب تضییع حقوق حقه عده کثیری دیگر را بدون هیچگونه مرجحاتی فراهم میسازد و از طرفی چون شأن ذاتی سردفتری میرا از برانگیختن وسائل تشبیهی از قبیل استفاده کردن از نفوذها و زد و بندها و پشت‌هم‌اندازیها و تملقات و چاپلوسی‌ها است و برای برقراری عدالت و تساوی حقوق و حفظ شأن سردفتری و جلوگیری از اضطراب بتشبهات اقتضا دارد اولیاء امور و عقلا قوم و صاحبان نظر و اطلاعات اقدامی بتقسیم کارها فرمایند و اگر مرجحاتی هم ملاک است مورد نظر قرار دهند و مرجعی از قبیل دیوان عالی کشور و یا مقام دیگری انتخاب و بادقت و نظر کامل اسناد مؤسسات مزبور را عادلانه تقسیم و بدفاتر ارجاع و محول نمایند و سپس برای طرز اجرای آن متصدیان مطمئن که با اراده آهنین و توفیق ربانی خلل ناپذیر باشند مبادرت به تقسیم اسناد نمایند تا تدریجاً اصلاحات اساسی نصیب این طبقه که با حقوق و حیثیت و شأن افراد جامعه تماس حساس دارند بشود و از خدا مسئلت مینمائیم که توفیق آنرا عنایت فرماید تا بتوانیم با سعی و کوشش در راه اصلاح موقعیت حاصل و شأن شغل خود را احراز نمائیم و به پیروی از منویات ملوکانه بوضع اصول ششگانه اصلاحی شاه و قاطبه ملت ایران الهام گرفته و اداره امور سردفتری اسناد رسمی و مقدرات خودمان را بر اساس عدالت اجتماعی برقرار و تعیین نمائیم و استدعای امر دوموضوع پیشنهادی را داریم.

ریحان‌الله قاضی زاهدی